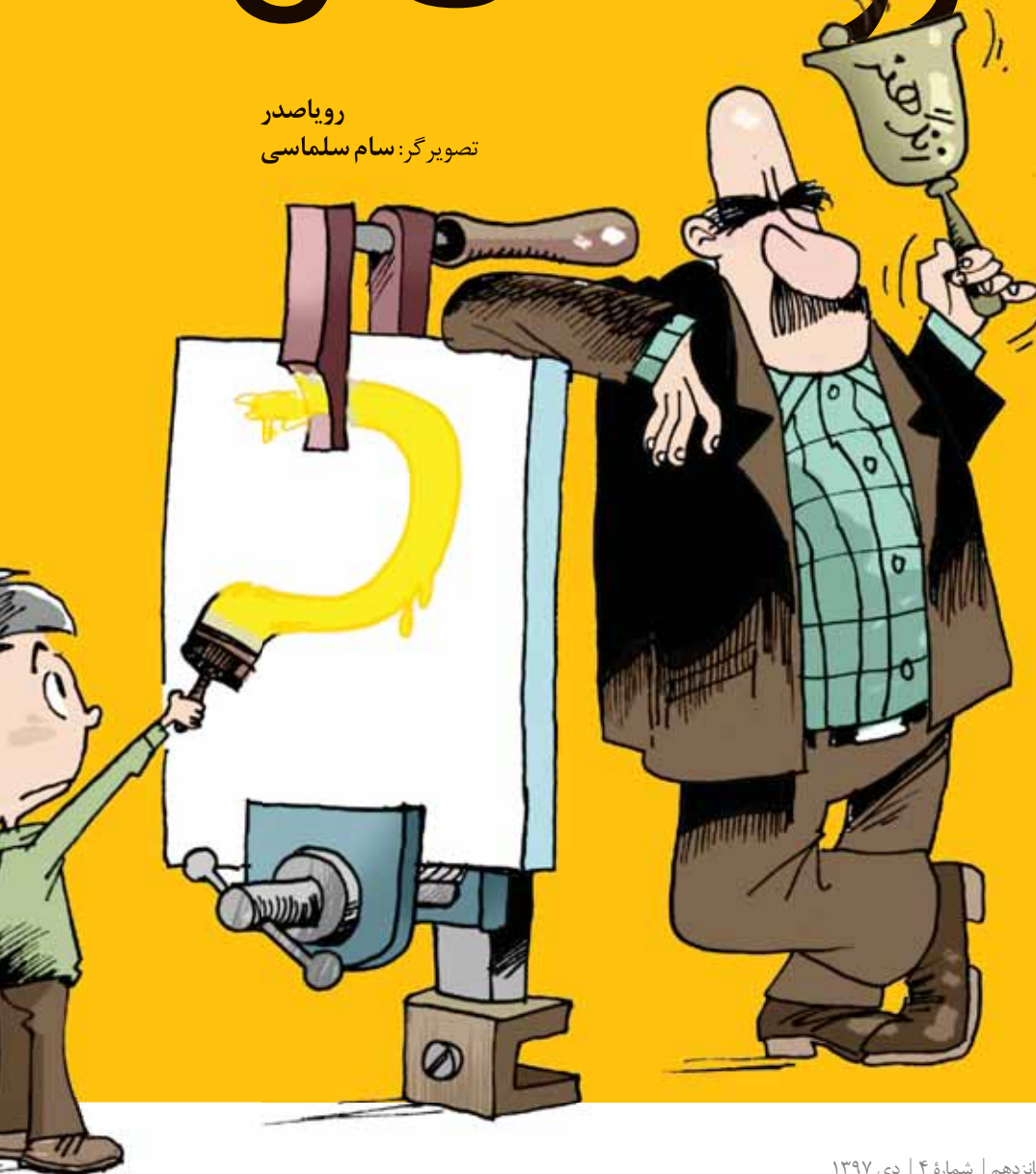


فرهنگ اصطلاحات مدرسه شناختی هنر و مخلفات آن

رویا صدر
تصویرگر: سام سلماسی





هنر: نوعی فعالیت اضافی بشریت که خوشبختانه در برخی مدارس و یا نظام‌های آموزشی، مهار آن از طریق زنگ هنر امکان‌پذیر می‌شود.

جمله‌ای قصار از قول امیلیانو زاپاتا:

- جسارت‌ه قربان... ولی چه کلاس هنری؟!... هیچ شده شاگردا با این کلاسا هنرمند بشن یا به درک هنری برسن؟

سکانسی تخیلی از فیلم هری پاتر:

- شما از چه زمانی احساس کردید که به هنر علاقه‌مندید؟

- از زمان نشستن سر کلاس هنر مدرسه (بیرون آمدن حذقه چشم تماشاگران از فرط تعجب، به قاعده یک نعلبکی!)

هنرمند: کسی که یافته‌های او ربطی به آنچه در دوران تحصیل آموخته ندارد.

زنگ هنر: نوعی زنگ گوش‌خراش که به مرور زمان آب رفت و محدوده‌اش به خاطر ساخت‌وسازهای انبوه ساعت‌های درسی دیگر، به کمترین حد ممکن رسید. براساس پیش‌بینی دانشمندان احتمال دارد در قرون آتی به کسری از ثانیه تقلیل یابد.

ساعت هنر: ساعت یدکی ماشین بزرگ تعلیم‌و تربیت بشری؛ یار ذخیره دیگر کلاس‌ها که معمولاً از آن به عنوان ساعت جبرانی دیگر درس‌ها استفاده می‌شود؛ طفیلی خانواده بزرگ آموزش و پرورش؛ آنتراکت کلاس‌ها؛ یک ساعت

درسی که لئوناردو داوینچی هم چندان

جدی‌اش نمی‌گرفت و سر

آن یواشکی مشق ساعت بعد را می‌نوشت؛ زمانی برای فراغت دانش‌آموزان؛ دوره‌ای آموزشی برای یادگیری راه‌های دستیابی به نعمت هنرمند نشدن.

معلم هنر: نوعی معلم که سابقاً مخصوص تدریس هنر بود. به مرور، نسل این گونه از معلمان در معرض انقراض قرار گرفت و معلمی که باید ساعات تدریسش پر شود جای او را گرفت.

نکته عرفانی مستتر در جمله: مگه هنر هم معلم می‌خواد؟

نکته انسانی مستتر در جمله: ایشون چند ساعتشون خالیه. بفرستینشون سر کلاس هنر یا ورزش تا ساعتشون پُر شه.

مباحث درس هنر: مباحثی که از دوران باستان به این طرف بی‌هیچ تغییری تدریس می‌شود و باید سفت و سخت از کلیه نوآوری‌ها حفاظت شود. **انجمن شاعران مرده.**

هنر موسیقی: واژه مهجور آموزش هنر در مدرسه؛ مدل شیش و هشتی و ریپی و «اوا... خاک عالم» گونه آن در وسایل الکترونیکی بسیاری از دانش‌آموزان مدارس موجود است.

